

پیش‌های درباره نماز

فاطمه سادات لنکرانی

چه کنیم خاشع باشیم تا نماز بر ما سنگین نباشد؟
قرآن می‌فرماید: «نماز جز بر خاشعان سنگین است».

پاسخ اول

آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم در ذیل آیات
«وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى
الْخَاشِعِينَ» الَّذِينَ يَتَذَكَّرُونَ أَنَّهُمْ مَلَاقُوا رَبَّهُمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ
رَاجِعُونَ» ۴۵ و ۴۶ از سوره بقره می‌نویسد:

«قرآن کریم در آیه ۴۶ به منشأ خشوع خاشعان اشاره
کرده است و می‌فرماید: یاد مرگ و قیامت، همه توان انسان
را می‌گیرد، قلب او را می‌لرزاند و وی را خاشع می‌سازد؛
زیرا همه غرورها و «من و ما» گفتن‌ها از این روست که
مرگ و عذاب قیامت از یادها رفته است و گرنه آنان که به
حساب و میزان و بهشت و جهنم یقین دارند، یا دست‌کم
گمانش را می‌برند و از حال احتضار و احوال قبر غافل
نیستند، خاکسار و خاشع و دل‌شکسته می‌شوند و به نماز
و استعانت از دعا و بکا رومی‌آورند» (تفسیر تسنیم، ج ۱: ۱۷۳: ۴).

پاسخ دوم

علامه طباطبایی (قُدَس سِرُّه) در تفسیر آیه ۴۵ و ۴۶
سوره بقره می‌نویسد:

«تعبیر به ظن در آیه ۴۶ به جای یقین، اشاره به
این است که برای حصول خشوع در انسان کافی است
که متوجه شود خدایی دارد که ممکن است به سوی او
بازگردد و او را ملاقات کند».

پاسخ سوم

در استفتائات عرفانی از حضرت آیت‌الله العظمی
بهجت (رحمته‌الله) سؤال شده: «برای اینکه در انجام دادن
فرمان الهی، خصوصاً نماز، با خشوع باشیم چه کنیم؟»
ایشان پاسخ فرموده‌اند: «در اول نماز، توسل حقیقی به امام

زمان (عج) پیدا کردن که عمل را با تمامیت مطلقه انجام
بدهید» (فریادگر توحید، ۲۳۳).

پاسخ چهارم

در قرآن کریم راه حصول خشوع در اعراض و ترک
اعمال لغو و بیهوده معرفی شده است، آنجا که می‌فرماید:
«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ* وَ
الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ» (المؤمنون ۱-۳)

چنان که برخی از بزرگان عرفا از جمله حضرت آیت‌الله
بهجت (رحمته‌الله) نیز در برخی از نصایحشان به این مطلب
تصریح کرده‌اند که راه به‌دست آوردن خشوع، کنار گذاشتن
کارهای لغو بی‌فایده است؛ یعنی ترک آن کارهایی که نه
فایده دنیوی دارد و نه فایده اخروی.

پاسخ پنجم

در روایتی به ویژگی‌های انسان خاشع و راه‌های
به‌دست آوردن خشوع به‌خوبی اشاره شده است. رسول
خدا (صلی‌الله علیه و آله وسلم) در روایتی فرموده‌اند:

«نشانه خاشع در چهار چیز است: ۱. مراقبت از نفس
و حساب بردن از خدا در نمان و آشکار؛ ۲. انجام دادن
کارهای نیک؛ ۳. اندیشیدن به روز قیامت؛ ۴. مناجات و راز
و نیاز با خداوند». (میزان‌الحکمة، ج ۳: ۱۴۰۷)

با اینکه خداوند مکان و جهت خاصی ندارد، چرا باید
به‌سمت قبله نماز خواند؟

پاسخ اول: «به‌سبب آنکه رو به‌سمت خانه خدا کردن
ظواهر بدن انسان، مقدمه و وسیله و محرکی است برای
روی کردن بواطن انسان به سوی جهت واحدی که همان
خانه خدا باشد. همین امر باعث می‌شود که قلب انسان از
حالت التفات به جهات مختلف خارج شود و تنها به یک
سمت که خانه خداست ملتفت شود و این خود مقدمه‌ای
است برای توجه به صاحب خانه، که خداوند متعال است.»^۱

پاسخ دوم: حکمت امر به روی نمودن به‌سمت
خاصی (سمت کعبه)، امتحان کردن بندگان بوده است با
اینکه آیا به هر سمتی که خدا بگوید و به هر نحوی که او
بگوید عبادت می‌کنند یا نه؟ از این رو خداوند بندگانش را
تشویق و ترغیب کرد تا کعبه را زیارت کنند و آن را بزرگ
بشمرند و به‌وسیله آن خدا را عبادت کنند تا روشن گردد
که چه کسی مطیع و چه کسی نافرمان است.^۲

مشروح در

[HTTP://ROSHDMAG.IR/WEBLOG/MAAREFESLAMI](http://roshdmag.ir/weblog/maarefeslami)

